

شماره جلسه: ۱۱۶ درس خارج فقه آیه الله نجفی دامه تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ یکشنبه

مقرر: مصطفی اله دادی

موضوع عام: مسائل مستحدثه موضوع خاص: عملیات بانکی (۵) موضوع اخص: ضمانت نامه ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سؤال و پاسخ

سؤالی که در اینجا مطرح شده آنست که گاهی ممکن است پرسیده شود؛ معنا و مفهوم ضمانت در اسناد ضمانت نامه ای چیست؟

در پاسخ می توان گفت: ضمان عبارت از تعهد دادن نسبت به چیزی و قرار دادن آن بر عهده شخص است. لذا ضمان به معنی نقل دین از ذمه به ذمه و یا ضمیمه کردن ذمه به ذمه - که باطل است - نمی باشد. البته قبلاً گذشت که وقتی بانک اقدام به پذیرش سفته کند، معنایش آنست که پرداخت دین و بدهی را خود بر عهده می گیرد و خود را مسئول پرداخت آن قرار می دهد. لذا این مطلب به معنی نقل دین از ذمه بدهکار به ذمه بانک نیست بلکه بدهکار هم چنان مسئول پرداخت دین است و ذمه وی به آن مبلغ مشغول می باشد، اما ضامن - که در اینجا بانک است - مسئول ادای دین بدهکار (یعنی خروج بدهکار از عهده مسئولیت بدهی خود و فارغ شدن ذمه اش) می باشد. بنابراین، طلبکار از همان ابتدا به ضامن مراجعه نمی کند، بلکه اگر بدهکار دین خود را ادا نکرد، آنگاه به او مراجعه می کند. معنای این امتناع آن است که تعهد ضامن - مبنی بر اینکه بدهکار، دینش را بپردازد - محقق نشده است. بنابراین، ذمه بانک به همان قیمت ادای دین و بدهی که در قرارداد آمده مشغول می شود؛ زیرا اداء - بنفسه - و به خودی خود دارای مالیت نیست، مگر اینکه خود دین و بدهی ارزش مالی داشته باشد.

بر اساس آنچه گفته شد، معنای اسناد ضمانت‌نامه‌ای عبارت از تعهد بانک به ادای شرط و قراردادن آن بر عهده خود است. مانند این که او متعهد می‌شود دین را اداء کند، و این مطلب مانند عینی است که غصب شده و برگرداندن آن بر عهده غاصب لازم است. در نهایت، ادای عین غصب شده که بر عهده غاصب است، امری قهری و اجباری می‌باشد، اما ادای شرط یا ادای دینی که در عهده بانک است، بر اساس تعهدی است که او با اختیار خود پذیرفته است و چنین تعهدی، طبق اقتضای عقلی بوده و دلیل شرعی نیز آنرا تأیید می‌کند. خداوند در این مورد می‌فرماید: اَوْفُوا بِالْعُقُودِ^۱، (لذا عموم آیه شامل این نوع تعهد هم می‌شود.) چرا که عقد، بین طرفین محقق می‌شود. برای نمونه اگر عین غصب شده تلف گردد، ذمه غاصب به بدل آن عین مشغول می‌گردد. لذا اگر آن عین مثلی بود، باید مثلش را بپردازد و اگر قیمی بود، باید قیمتش را بپردازد. لذا در مورد ادای شرط یا ادای دین و بدهی نیز به همین طریق عمل می‌شود.

مراد از تلف شدن ادای شرط یا ادای دین آن است که پیمان‌کار (مقاطع‌کار) مشروط علیه - آنچه مورد قرارداد است، را انجام ندهد و بدهکار نیز دین را نپردازد. در این صورت، عهده قراردادی، به قیمت ادای شرط یا ادای دین که قیمت نفس شرط و دین است، برگردانده می‌شود. در نتیجه ذمه‌اش به انجام شرط و پرداخت بدهی مشغول می‌گردد^۲.

۱. مائده، آیه ۱.

۲. البنوک، ص ۹۸-۹۷.